

## با اجازه مافوق ترین نیروی قدرت و عظمت یک محیط سعادت درخشنده وحدت نوین جهانی

رهنمون حشمت الله دولتشاهی  
کتاب مکانیسم آفرینش

### خدا چیست و کدامست؟

تفسیر آیه نور در سوره نور (بیست و چهار تا بیست و پنج)

الله نور السموات والارض مثل نوره کمشکوه<sup>۱</sup> فیها مصباح المصباح فی زجاجه الزجاجه کانه کوب درى یوقد من شجره مبارکه زیتونه لا شرقیه و لا غربیه یکاد زیتها یضیی و لو لم تمسسه نار نور علی نور یهدی الله لنوره من یشاء یضرب الله الامثال للناس و الله بکل شیئی علیم.

معنی تحت اللفظی: یزدان روشنائی آسمانها و زمین است. مثل نورش چون بلوری است که در آن چراغی باشد، و چراغ در شیشه ای و شیشه در شیشه دیگر، گوئی چون ستاره درخشانی است که از درخت زیتون مبارکی روشن شده که نه شرقی است و نه غربی. زود باشد که روغن آن چراغ روشن نماید هر چند که به آن آتشی نرسیده، نور است بر نور، یزدان هر کسی را که بخواهد به نور خویش هدایت کند و یزدان برای مردم مثلها زند و یزدان به هر چیزی داناست.

### تفسیر مختصر

الله نور السموات والارض: یزدان نور آسمانها و زمین است. همه چیز از آن او و وجود اوست، هیچ چیز خارج از او نیست و هر چه هست از اوست. هر گاه گوئیم چیزی غیر از او و خارج از اوست، سخن شرک گفته ایم. همه از اوست و جز او چیزی نیست. مثل نوره کمشکوه: نورش را این چنین مثال زنیم که چون بلور است. همانطور که در بلور عکس اشیاء منعکس گردد در او هم همه چیز هست. بلور است اما کدام بلور...

فیها مصباح: بلوری است که در آن چراغی هست، پس نور در خود اوست و خارج از او نیست، بر خلاف بلورهائی که در دنیا می بینیم. بلی بلوری است که همه چیز در آن است و نورش از آن خارج نیست بلکه در خود اوست زیرا اصلاً خارج وجود ندارد. بلوری است قوی که تمام مادیات و معنویات و آنچه هست در خود اوست و نور آن هم در خودش می باشد. نفرمود بلوری است که چراغ و نور در خارج آن باشد چنانکه نادانان الله را آنطور پندارند.

المصباح فی زجاجه الزجاجه: هوا و مواد رقیقی که اطراف آنرا احاطه می کند مثال آنرا شیشه گفته اند چون از شیشه رقیقتر مثالی نتوان گفتن- اما این شیشه و بلور و غیره همه در خودش است و .....

کانه کوب درى: این بلور و چراغ و شیشه ها همیشه تلالو و درخشندگی و جلوه گری می کند مانند ستاره درخشانی که می بینیم، این ستاره هم در خود اوست و خارج نیست.

یوقد من شجره مبارکه زیتونه: این همه روشنی از یک درخت مبارک زیتون است. مثالی است که منبع و منشاء و همه اینها اوست (البته مثال است چنانکه اول و آخر آیه تأکید فرموده) عالم لایتناهی را به یک درخت زیتون مثل زده میوه را به منزله ستارگان قرار داده، چوب و برگ درخت و غیره را سایر قسمتهای عالم دانسته، ولی این اجزاء از او جدا نیست بلکه همه را روی هم درخت زیتون نامند، اینها همه جزء خود درخت است، این درخت تشبیه عالم لایتناهی است، اما درخت معمولی نیست بلکه صفت چنین درختی آن است که .....

لا شرقیه و لا غربیه: نه مشرق دارد و نه مغرب، نه بالا دارد نه پائین، نه اول دارد و نه آخر، چنان است که همه چیزش در خود، از خود اوست در عین حال، مکانی ندارد و بالا و اول و آخری نیست. آیا تشبیه و لسانی به از این توان گفتن؟

<sup>۱</sup>مشکوه را بلور، چراغدان، آبگینه و این قبیل ترجمه کرده اند.

یکاد زیتها یضیئی و لو لم تمسسه نار: زود است که روغن این چراغ روشن کند هرچند که آتشی بدان نرسیده است. نوری است که از خودش است و خارج نیست. آری نور این چراغ از خود چراغ است از خارج نرسیده، خودش در خودش است. نور علی نور: نوری است بر نور، هرچه هست نور است و قدرت است و نور بر نور رویهم قرار گرفته بدون آنکه حدودی داشته باشد.

یهدی الله لنوره من یشاء: یزدان هر که را خواهد بنور خویش رهنمائی فرماید (از او بخواهید که شما را هم به نور خود هدایت کند و از حقایق عالم باخبر شوید)

یضرب الله الامثال للناس: یزدان برای مردم مثلها زند زیرا بدون مثل و تشبیه فکر مردم آماده فهم حقیقت و تشخیص واقعیات نیست. و الله بکل شیئی علیم: یزدان به همه چیز داناست.